



گزارش اروپا موسیقی و جوانان ایرانی

توضیح: آن چه که از نظر شما می‌گذرد گزارشی است که یکی از گزارش‌گران مجله‌ی فردوسی در مدت اقامت خود در شهرهای مختلف اروپا آن را تهیه کرده و پس از تنظیم هیئت تحریریه برای چاپ در مجله آماده شده است.

گزارش گرو = ثویا مجد

به قصد تهیه‌ی گزارش، مصاحبه و یا جمع آوری عکس و مطلب به اروپا نرفته بودم، اما به خاطر ارضای حس کنج‌کاو حرفه‌ای‌ام گوش به زنگ بودم تا اگر خبری، مطلبی و یا گزارشی پیدا کردم برای مجله جمع و جور کنم.....

خبرهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، بحران روابط ایران و اروپا، فعالیت گروه‌های مختلف سیاسی و بسیار زیاد بود و جمع آوری و تدوین این همه خبر کار چندان آسانی نبود و از دست یک نفر هم بر نمی‌آمد.

در بین تمام حوادث کوچک و بزرگ تکراری راجع به ایران و آدم‌های ایرانی خبرساز، تنها کار بسیار زیبای یک گروه موسیقی نظرم را جلب کرد. انگلستان را به آن همه سوژه‌های گوناگون خبری‌اش به سوی آلمان ترک کردم و شنیدم که دو چهره شناخته شده موسیقی ایران: **مجید درخشانی** و **احمد مجتهدی** با تعدادی از جوانان ایرانی و غیر ایرانی عاشق آداب و فرهنگ و سنت‌های ما در یک اردوی چهار روزه هنری در شهر لودویگزهافن دور هم جمع شده‌اند و در تدارک اجرای برنامه‌های هنری هستند.

از شهر کارل سروه خود را به این جمع رساندم و چون با تعدادی از این جوانان مهاجر، پناهنده، بی پناه و گریزان از بگير و بیند‌های سرزمینشان صحبت کردم، بسیاری از باورهای پیشین من عوض شد.

تا همین امروز گمان می‌کردم که بیش‌تر ایرانیان مقیم خارج از کشور، از پناهندگان تا مهاجران و از مأموران و حقوق بگیران دیوانی تا غیر مأموران و افراد عادی، به خاطر زرق و برق و ظاهر زندگی اروپایی و یا به دلیل فرار از سختی‌های زندگی درون سرزمین خود با اجبار و یا دل‌خواه، زندگی در سرزمینی بیگانه را برگزیده‌اند.

اگر هر یک از ما در پی این پندار موهوم به قضاوت نشسته‌ایم و رأیی صادر کرده‌ایم، بدون تردید به خطا رفته‌ایم. باید پای صحبت این زنان و مردان میان سال و دختران و پسران جوان بنشینیم، اعتمادشان را جلب کنیم، به حرف‌ها و نظرهایشان ارزش و احترام بگذاریم، به درد دل‌های آنان گوش کنیم، وقتی حرف‌هایشان را شنیدیم، آن‌گاه بدون جبهه‌گیری و نگاه از بالا و فکر دیکتاتوری به چاره‌اندیشی پردازیم و این سپاه بی‌شمار عاشقان ایران را اگر نمی‌توانیم به وطن بازگردانیم، مانند تمام دولت‌ها و حکومت‌های پیش رفته دنیا، آن‌ها را در سازمان‌های دولتی و ملی جمع کنیم، به نیازهای مادی و تحصیلی آن‌ها برسیم و به عنوان یک شهروند از منافع آنان دفاع کنیم و در مقابل متجاوزان به حقوق بین‌المللی فرزندانمان با قدرت مقاومت نماییم.

وقتی از نزدیک با این جوانان صحبت می‌کنید، تازه متوجه می‌شوید که با چه آدم‌های صادق، صمیمی و بی‌شیله، پله‌ای رو به رو هستید! چه آن‌هایی که در ایران به دنیا آمده‌اند، چه آن‌هایی که از آغاز زندگی‌شان ایران را ندیده‌اند و چه آن‌هایی که دور رگه هستند، همه‌گی یک وجه مشترک دارند و آن قلب کوچک آن‌ها است که برای ایران و فرهنگ ایرانی می‌تپد.

باور کنید! این حقیقتی بی‌پرده و بسیار آشکار است. هیچ یک از این دوران از وطن به خاطر ظلمی که دولت مردان و یا مردم و وطنشان، و یا حتی وطنشان به آن‌ها کرده است، از وطن خود گله و شکایتی ندارند و بد نمی‌گویند. خیلی بهتر و بیش‌تر از بسیاری از افرادی که ادعای وطن دوستی دارند و در داخل ایران زندگی می‌کنند و در گفتارشان!! عشق به وطن و احترام به فرهنگ و آداب و سنت‌های ملی جای گاهی ویژه دارد، به سرزمین پدران خود عشق می‌ورزند. نشان آشکار این ادعا، برگزاری سمینارها، جشنواره‌ها، کنفرانس‌ها و گرد هم آبی‌های فراوان و پی در پی در شهرها و کشورهای مختلف اروپایی به منظور شناختن فکر، فرهنگ و تمدن ایران به اروپاییان است.

به جز تعداد کمی از جوانان ایرانی ساکن اروپا که به تحصیل خود ادامه نداده‌اند، بیش‌تر از ۹۰٪ آنان در حالی که برای گذران زندگی روزانه بیش‌تر از ۱۰ ساعت کار

می‌کنند در راستای آن کار و کوشش، به تحصیل خود نیز ادامه می‌دهند و در رشته‌های گوناگون علمی در دانشگاه‌های معتبر در حال دانش آموختن هستند. **هوش** و استعداد جوانان ایرانی در بین سایر دانشجویان بومی و یا خارجی دانشگاه‌های اروپایی بسیار قابل تحسین و ستایش است. **شگفت انگیزتر** این که جوانان، در حالی که به سختی در حال کار و تلاش برای گذران زندگی و جور کردن هزینه‌های تحصیلی و سر و کله زدن با قانون‌های همیشه در حال تغییر مهاجرت، سکونت و پناهندگی خود هستند، در گروه‌های مختلف هنری در زمینه‌های معرفی و شناساندن فرهنگ، تمدن موسیقی، نمایش، نقاشی و هنر ایرانی پیوسته در حال اجرای نمایش‌های مختلف در سالن‌ها و مراکز علمی و فرهنگی مختلف اروپایی هستند.

توجه به این اصل بسیار مهم است. اگر گروهی از هنرمندان و یا جوانان با توجه به بودن و یا نبودن امکانات و مقررات داخلی در نقاط مختلف شهر تهران و یا سایر شهرستان‌های ایران به اجرای نمایش‌های هنری می‌پردازند، کار سترگی انجام نداده‌اند. تمام ساکنان سرزمینشان هم زبان آن‌ها هستند و از زیر و بم مقررات دست و پاگیر و یا روان اطلاع دارند و با آگاهی کامل از تمام جوانب به کارهای هنری می‌پردازند. مهم‌تر از تمام امور یاد شده، هم فکری، هم زبانی و هم فرهنگی این هنرمندان با مردمانی است که در سرزمین خودشان مخاطبان آن‌ها در سالن‌های اجرای برنامه‌های هنری می‌باشند و هیچ دیوار فکری و فرهنگی بین اجرا کنندگان و مخاطبان وجود ندارد.

اما در سرزمینی مانند آلمان، فرانسه، انگلستان و با آن همه پیشرفت‌های شگفت‌انگیز، فرهنگی، علمی و هنری، موضوع بسیار متفاوت است. جمع آوری علاقه‌مندان، بازگشودن زبان مشترک هنری، برخورد فکر و فرهنگ‌ها، تا هم زبانی و دور بودن از فرهنگ‌های مشترک، مشکلی بسیار بزرگ برای آن‌هایی ایجاد می‌کند که می‌خواهند هنر بومی و سنتی و ایرانی خود را به گروهی از علاقه‌مندان اروپایی معرفی نمایند.

کار کدام گروه مشکل‌تر است؟ آنان که در داخل مملکت و با زبان خودشان به بیان هنر می‌پردازند و یا آن‌هایی که در سرزمینی بیگانه به بیان آن مشغول می‌شوند؟ در شماره آینده به اجرای هنری جوانان در اروپا می‌پردازیم.....
ادامه دارد.

بخارا

مجله فرهنگی و هنری
مدیر و سردبیر: علی دهباشی

بخارا مجله‌ای است فرهنگی و هنری که در آن مقالات و نغمه‌ها و خبرهای مربوط به ادبیات و هنر ایران و جهان، در زمینه ایران‌شناسی و همچنین بیهوشی، انور خلمه‌ای - مینو منسیری - جلال سناری - فارسی زبان افغانستان و تاجیکستان منتشر می‌شود.

مجله فرهنگی و هنری بخارا با مقالاتی از نویسندگان، مترجمان و استادان برجسته فرهنگ، ادب و هنر ایران منتشر می‌شود. آثاری از:

فرخ افشار - عزت‌الله فولادوند - عبدالحمید اذرنک - شفق سعد - احمد رضا احمدی - بهادرین خرمشاهی - عمار صلاهی - مریم مهابوبو - ناریوش شایگان - سمیعین بیهوشی - انور خلمه‌ای - مینو منسیری - جلال سناری - فر آرین - هلمس رجیزاره - سیدفرید قاسمی - طوبی ساطعی - دکتر علی یزدانی - شاهرخ مسکوب - جمشید ارجمند - خسرو ناله - سیروس شمیسا - بیژن قرقی - محمد فهرازی - فرید رازی - فرخ تمیمی - مقفون امینی - امین برومند - عروج بخشان - دل‌آرا فهرازی - حسن میرحیدری - مسعود تقی‌زاده و ...

بهای اشتراک سالانه مجله بخارا در داخل کشور شش شماره با احتساب هزینه پست دوازده هزار تومان است. متقاضیان می‌توانند وجه اشتراک را به حساب جاری ۳۵۲۳ بانک صادرات شماره ۷۷۲ اوایل خیابان میرزای شیرازی به نام علی دهباشی واریز کنند و اصل برگه را با ذکر نشانی دقیق (با قید هر پستی) به نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۶۶-۱۵۶۵۵ ارسال کنند.

تلفن و فاکس موقت: ۸۳۰۵۶۱۵
تلفن شماره: ۲۳۰۰۱۳۷ - ۰۹۱۱

نام و نام خانوادگی:

نشانی:

کد پستی:

تلفن: